

جا از برایش قائل می شوند که باستی بعد از فوتش و ورثه اش حقوقی داده شود.

من این را تصور می کنم تشویقی است از مردم که ترک جمیع کارها را بکنند و بیایند مستخدم دولت بشوند زیرا حتی برای نفس کشیدنش و موقع غذا خوردنش هم اجری میدهند

این چیز غریبی است آقا شما این پول ها را از کجای آورید؟ از کی می گیرید؟

و برای چه میگیرید می دهید؟ بنده کاملاً با این قسمتها مخالفم مخبر- آقا یان در طرفین قضیه افراط و تفریط می کنند.

آنها می گویند که کم می دانند حس را نشان حرکت کرده و آن کسانی هم که زیاد می دانند برای ملت فریاد می زنند.

جواب آقای اخگر را همانطور که آقای سهام السلطان فرمودند در حساب اشتباه کرده اند

زیرا وراثت کسانی که متوفی می شوند نصف حقوق تقاعد را می گیرند ولی در اینجا وراثت خمس عین حقوق را می گیرند

این جا تفاوت از زمین تا آسمان است اما این که آقای کازرونی میفرمایند که این ترتیب یک تشویقی است از این که تمام دنیا بیایند مستخدم دولت شوند.

بنده عرض می کنم اینطور نیست برای اینکه بموجب همین قانون و قانون استخدام کشوری که نوشته اند شماره استخدام را سندی کنید

یک اشخاصی که دارای شرایط مخصوصی هستند می توانند داخل خدمت شوند آن هم در صورتی که دولت محل داشته باشد شما ادارات را طوری کنید که اجازه زیادی وارد نشود و بدون احتیاج عضو نیارند آنوقت آن نظریه شما تأمین میشود

حالا هم در ادارات دولتی مثل سابق بازنیت که هر کس بتواند بیاید عضو دولت شود و حقوق بگیرد

عضو ادارات دولتی باید مطابق احتیاجات باشد و حالا این نظریه در مجلس تأمین شده و مطابق احتیاجاتش استخدام نموده است و بلکه یک قدری هم کمتر دارد و در این صورت اگر یک اتفافی برای مستخدمی پیش بیاید باید خمس اصل حقوقش را بورنه اش داد.

رئیس - پیشنهاد شده است جلسه ختم شود.

جمعیه از نمایندگان - صحیح است

وزیر مالیه - بخاطر محترم آقایان هست که چند روز قبل بنده چند لایحه پیشنهاد کردم که یکی از آنها راجع به ترتیب انحصار قند و عای بود و البته حاجت

ندارم باینکه برای آقایان توضیح بدهم که این لایحه هر چه زودتر تکلیفش معلوم شود بهتر است و از آن طرف هم لایحه نمیتواند در مجلس شورای ملی مطرح شود.

الا اینکه کمیسیون قوانین مالیه آن را مطالعه کرده باشد و عقاید خودش را هم اظهار نموده باشد

ولیکن از قرائت که اطلاع پیدا کرده ام کمیسیون قوانین مالیه جدید هنوز تشکیل نشده و نمیدانم کی تشکیل خواهد شد و با احتیاط اینکه مبادا تا چند روز دیگر تشکیل کمیسیون قوانین مالیه تأخیر شود میخواستم از مجلس شورای ملی از طرف هیئت دولت تمنی کنم که اجازه بفرمایند به همان کمیسیون قوانین مالیه سابق مراجعه شود که راپورتش زودتر بیاید

این یک تمنی، تمنای دیگر این است که دو فقره لایحه دیگری که پیشنهاد کرده بودم راجع به مستخدمین امریکائی و بلژیکی اجازه بفرمایند آنها هم در دستور جلسه آتی واقع شود

چون کمیسیون بودجه در آن مطالعات خودش را کرده و در آن باب راپورت هم داده است و تا روز سه شنبه هم راپورت حاضر خواهد بود.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده راجع به لایحه استخدام مستخدمین امریکائی مسبوق نیستم خودشان اظهار کردند که کمیسیون کارش را تمام کرده است و راپورت هم داده و برای روز سه شنبه حاضر خواهد بود البته اگر اینطور است بنده هم موافقم

رئیس - تا روز سه شنبه حاضر خواهد بود.

آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - در قسمت فرمایش آقای وزیر مالیه راجع باینکه کمیسیون قوانین مالیه قدیم باین مسئله رسیدگی کند خواستم عرض کنم که خلاف نظامنامه و سابقه است و باید کمیسیون قوانین مالیه جدید رسیدگی کند.

زیرا کمیسیون قوانین مالیه قدیم عمرش سر آمده و گذشته و نمیتواند باین مسئله رسیدگی کند

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم رئیس - آقای سهام السلطان - بنده هم عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم اینقدر که

حاضر هستند و میل دارند لایحه شان بگذرد آیا برای سؤال و کلاه هم حاضر هستند جواب بدهند یا نه؟

رئیس - آقا بگذارید این مطلب بگذرد.

آقا سید یعقوب - بسیار خوب این مطلب هیچ

بنده نه لایحه دولت را دیده ام و نه خبر کمیسیون را

رئیس - نسبت برایت کمیسیون بودجه راجع با استخدام مستخدمین امریکائی مخالفی نیست جزء دستور شود؟

شیروانی - بنده مخالفم رئیس - بفرمائید

شیروانی - مطابق نظامنامه باید لویح طبع و توزیع بشود و بدست و کلاه بدهند تا بشود جزء دستور گذاشت و عجباً تا هم یک کار فوری نیست باشد یک روز دیگر یا برای دستور روز پنجشنبه قرار بدهند

رئیس - آقای عماد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه - مطابق نظامنامه لویح می باید بیست و چهار ساعت قبل از اینکه در مجلس مطرح شود طبع و توزیع بشود و بنده مطابق تحقیقی که کرده ام این لایحه برای امروز عصر حاضر است (همه بین نمایندگان)

عماد السلطنه - حمله نکنید بنده حرف نفهمیده نمی زنم

لایحه دولت که حاضر است و راپورت کمیسیون هم امروز عصر حاضر میشود و صبر از تحت طبع بیرون می آید و برای پس فردا بیشتر از بیست و چهار ساعت هم وقت خواهد بود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده هم همین عرض را داشتم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - همانطور که آقای شیروانی اظهار کردند بنده هم معتقدم که روز پنجشنبه جزء دستور باشد که ما ضمناً مطالعه کرده باشیم دیگر خواستم عرض کنم که خوبست قوانین بحالت طبیعی بگذرد نه بمجله و سرعت

زیرا اسباب ندامت خواهد شد

رئیس - خوب رای میگیریم آقایانی که موافقت خبر کمیسیون بودجه راجع به استخدام مستخدمین امریکائی جزو دستور شود قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد پیشنهاد شده است راپورت کمیسیون بودجه راجع به شهریه اقبال الملک هم جزء

دستور شود بعضی از نمایندگان - اقبال الملک رئیس - بلی اقبال الملک - مخالفی ندارد

جمعیه از نمایندگان - خیر

رئیس - پیشنهاد دیگری شده است راجع باوزان و مقادیر ولی کمیسیون حاضر نیست و هم چنین پیشنهاد شده است راجع بکمیسیون تجدیدنظر در قانون استخدام کشوری هم جزء دستور روز سه شنبه گذاشته شود

آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده یک پیشنهادی راجع باوزان و مقادیر تقدیم کرده بودم و از این قانون هم یک ماده بیشتر باقی مانده است و بموجب اطلاعی که پیدا کرده ام دولت نمونه این اوزان را از خارجه وارد کرده است و فقط منتظر تصویب این قانون است

دیگر اینکه چون دو فقره راپورت جزء دستور معین شد دیگر بنده آن پیشنهاد راجع بقانون استخدام کشوری را مسترد می نمایم و همان دو فقره راپورت کمیسیون بودجه جزء دستور باشد

رئیس - خوب پس دو فقره خبر کمیسیون بودجه جزو دستور روز سه شنبه است و اگر وقتی باقی ماند در باب لایحه راجع به مستخدمین مجلس مذاکره میکنیم (جمعیه از نمایندگان گفتند - صحیح است)

(مجلس يك ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا منشی - م - شهاب

دکتر احتشام طباطبائی

جلسه ۱۶۰

صورت مشروح مجلس سوم شنبه یازدهم اردی بهشت ۱۳۰۴ مطابق بازدهم شوال ۱۳۴۳ مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای میرزا حسین خان پیرنیا تشکیل گردید

صورت مجلس یکشنبه سیزدهم اردی بهشت را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی - قبل از دستور عرض داشتم

رئیس - آقای آقا میرزا بدالله خان (اجازه)

آقا میرزا بدالله خان - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتمدار دامغانی - در دستور عرض

دارم

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)
محمد ولی میرزا - بنده هم در دستور عرض دارم.
رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - در صورت جلسه راجع به توضیحات بنده در خصوص اشخاصی که بواسطه قیام و اقسام برضد حکومت ملی از حقوق تصاعد مجرم می شوند نوشته شده است که بنده عقیده داشتم بعد از فوت بورته آنها داده شود و حال آن که بنده بعد از فوت عرض نکردم.
بنده عرض کردم در صورتی که بعد از فوت و میراث بورته اش داده نمی شود مخالف و نیاید بورته از این حق محروم باشند
رئیس - بسیار خوب اصلاح می شود.
صورت مجلس دیگر معارضی ندارد (گفته شد - خیر)

رئیس - انتخباتی که پریروز نسبت بکمسیونها شده از فرایست که عرض می کنم:
آقای ملک الشعراء بعضویت کمسیون خارجه با ۳ رأی
آقای امیر اشرف برای کمسیون داخله با ۵ رأی
آقای مدبر الملک با ۴ رأی بعضویت کمسیون قوانین مالیه

آقای آقا شیخ جلال با ۴ رأی بعضویت کمسیون عدلیه
شاهزاده شیخ الرئیس هم به بعضویت کمسیون عدلیه انتخاب شده اند.
ولی در کمسیون دیگر بعضویت دارند فقط ۱ نفر برای کمسیون عدلیه معین شده است.

انتخاباتی که امروز باید بشود کسری کمسیون قوانین مالیه ۵ نفر
کمسیون خارجه ۲ نفر داخله ۳ نفر
فوائد عامه ۲ نفر
عدلیه ۷ نفر و معارف ۱ نفر
لا یحتمل از طرف دولت رسیده قرائت می شود معین می فرمائید بکدام کمسیون مراجعه بشود.

(شرح ذیل قرائت شد)
مجلس مقدس شورای ملی
خاطر آقایان نمایندگان محترم مستحضر است که قبل از تشکیل قشون فعلی القاب و مناصب مختص نظام بسایر طبقات مختلفه اهالی بدون اینکه مفهوم حقیقی آنها را دارا باشند داده می شد و هنوز هم عده کثیری از مناصب و القاب در خارج از طبقه نظام وجود دارند که بمشابه وضع شیئی در غیر مواضع لهی مورد و مناسبت هستند و با وجود تشکیلات نظام فعلی هیچ شایسته و مقتضی نیست القاب و مناصبی را که حق خصوصی نظامیان و مختص پادشاه ابراز

فداکاری و رشادت آنها است اشخاص از سلك نظام من غیر حق دارا باشند.
هلی هذا نظر بحفظ شئون نظامی ماده واحده ذیل را برای القاب و مناصب مذکور پیش نهاد و تصویب آن را تقاضا می نمایم:

ماده واحده - مجلس شورای ملی القاب و مناصب مخصوص نظام را بشرح ذیل مینماید:
سپهسالاری - سپهداری - سرداری - سپهبدی مطلق و مضاف - امیر تومانی - امیر یونانی - امیرینجی و سایر القابی که مضاف و یا مضاف الیه سپاه لشکر - جنک - سالار و نظام هستند.

رئیس - مراجعه شود بکمسیون نظام ؟
آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عقیده ام این است بکمسیون نظام مراجعه شود؟
(بعضی گفتند - کمسیون معارف)

رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده تقاضای فوریت می کنم و عقیده دارم فی الفور در مجلس مطرح شود.

رئیس - آقای روحی تقاضای فوریت کرده اند مخالفی دارد؟
آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده نمی دانم این هم یکی از مسائل حیاتی است.

بعضی از نمایندگان - بلی بلی
کازرونی - این الفاظ بی معنی یا با معنی چندان اهمیت ندارد آقا خوبست يك احترامی هم برای مسائل فوری قائل شویم.

شما از روی يك احساساتی قائل بفوریت می شوید آن وقت يك چیزی هم که اهمیت دارد و دولت فوری می داند در عداد این ها شمرده می شود و در هر صورت بنده دلیلی برای فوریت نمی بینم.

رئیس - رأی گرفته می شود بفوریت قسم اول یعنی يك شور -

هم ارجاع بکمسیون را هم اگر بعد لازم شد رأی می گیریم.
آقایانی که قسم اول تصویب را میکنند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده با عدم ارجاع بکمسیون مخالفم و دلیلش هم این است که این القابی که در این جا نوشته شده است این القاب بعضی مضاف دارد بعضی مضاف الیه دارد و مر کباتی دارد و بنده عقیده ام این است برای اینکه از روی تحقیق و با دقت از مجلس

بگذرد برود بکمسیون نسبت به مضاف و مضاف الیه و نسبت بکلمه مفرد و مرکبش نگاه کنند و از هم تفکیک کنند و بعد بمجلس بیاید و بفرمایش آقای آقامیرزاعلی این چندان فوریت ندارد و معلوم است که بعد همین سالار لشکر شاهزاده عباس میرزا است اما عرضم این است که نگویند مجلس مضاف و مضاف الیه را فرق نگذاشته رأی داد.

رئیس - هنوز تقاضائی نشده که رأی بگیریم.

(آقایان شیروانی و روحی و تدین تقاضای فوریت نموده اند)

رئیس - باید رأی گرفت بفوریت قسم دوم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.
(ماده واحده مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقایان رهنما و تدین و شیروانی موافقتند.

آقای تقی زاده مخالف هستند؟
تقی زاده - بلی

رئیس - بفرمائید
تقی زاده - اینکه میخواهند القاب بطور نظامی را منسوخ کنند خیلی خوبست و اگر القاب غیر نظامی هم منسوخ میشد خیلی خوب بود.

ولی چون ما اصطلاحات خوب نظامی از زمان قدیم داریم بلکه بعضی از زمان ساسانیان مانده است مثل سپهسالاری و سپهبدی و سرداری و سالاری خوبست آن ها بهمان ترتیبی که در نظام معین شده بدرجات نظامی تخصیص بدهیم و امیر یونانی و امیر تومانی منسوخ شود چون این ها اصطلاحات ایرانی نیست ولی سپهسالار و سپهبد و غیره از قدیم باقی مانده و منسوب است.

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - این جا سوء تفاهم شد که آقای تقی زاده این فرمایش را فرمودند این الفاظ غالباً از نقطه نظر لقب داده می شد مثلاً فلان کس خیلی خوشوقت می شد اگر يك لقبی مضاف الیهش سپه باشد یا سپه مضاف باشد باو بدهند و این هم هیچ در نتیجه تخصیلات نظامی و طی مراتب نظامی نبود و این القاب بقدری زیاد و بقدری الفاظ دایره اش تنگ است که بنده مجبورم آن الفاظ را بعنوان مضاف و مضاف الیه صدا کنم تا به اشخاصی که در خارج هستند برخورد کرد.

این ها عجاالتانگو می شود ولی درجات لغو نمی شود اگر کسی در نظام خدمت کرده باشد و لایق باشد که بدرجه سپهسالاری برسد این درجه مطابق تقسیم بندی که در وزارت جنک شده محفوظ است و باو داده

خواهد شد منتهی از روی استحقاق و لیاقت نه از روی خواهش و التماس و تقاضا.
بنابر این عده قسمت الفاظی که آقای تقی زاده فرمودند از بین می رود چون نسبت بیک قشونی که می رود ترقی کند و درجاتش از روی استحقاق داده شود این الفاظ باید لغو شود و این الفاظ باید بکسی داده شود که آن درجه را دارا باشد.

بنابر این بنده مانعی نمی بینم و اینکه آقای تقی زاده تصور فرمودند ممکن است از نقطه نظر درجات نظامی سوء تفاهمی ایجاد شود.

خیر از نقطه نظر نظام هیچ سوء تفاهمی ایجاد نخواهد کرد فعلاً این القابی که مملکت با و عادت کرده عجاالتاً از وزارت جنک می رود تا ببینیم مجلس شورای ملی نسبت به بقیه در این جلسه چه خواهد کرد.

(جمعی گفتند - مذاکرات کافی است)

کازرونی - قبل از مذاکره کافی است؟؟

رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که کافی می دانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است . پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس قرائت میشود.

(اینطور خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم امیری نیز اضافه شود.

کازرونی - بنده يك تذکر قانونی دارم.

رئیس - تذکر قانونی چیز تازه است.

کازرونی - همه چیز مانا است.

رئیس - اگر اخطار نظامنامه دارید بفرمائید.

(اظهاری نکردند)

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - بعقیده بنده وقتی بنام سالار و بعضی اسم هائی که در این جا نوشته شده رأی داده شود امیر از آنها لازم تر است زیرا اگر این را از نقطه نظر القاب قدیم عرض کنیم مثل امیر یونان و امیر تومانی است و اگر از مدنظر حال اقرض کنیم امیر لشکر در همه جا سمتی است و معلوم نیست لفظ امیر از سالار و سپهسالار یا سردار لازم تر نباشد حذف شود.

لهذا بنده پیشنهاد میکنم که لفظ امیر هم از چیز هائی باشد که مضاف و مضاف الیهش هر دو حذف شود.

رئیس - آقای روحی هم همین پیشنهاد را کرده اند.

آقای اشکر (اجازه)

اعطای القاب مد کوره در ماده یک از این تاریخ متنوع است

دوره - اینجا دو مسئله است یکی مسئله القاب

مثل القاب یک مالیات یا رد کردن یک شهریه و یکی دیگر پیشنهاد کردن یک چیزی است

اگر اساساً میباید بطور بگریزید که القاب نظامی مخصوص بنظامی است و نباید بکسی داده شود و باید بطور منصفانه داده شود در این صورت بایستی جلوگیری از اعطای لقب بشود والا امروز از یک دسته یک القابی را میگیرند (گرچه نظر بنده بگذشته نظر بخصوصی نیست) و فردا یک دسته دیگری میدهند و این برخلاف مقصود است

حالا اگر آقایان باین مسئله اهمیت نمیدهند باشد

یک نفر از نمایندگان - مجدداً قرائت شود

(شرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را به عنوان ماده الحاقیه تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد

پیشنهاد آقای سر کشیک زاده (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل ضمیمه شود

از تاریخ تصویب این قانون بعد بهیچ کس لقبی اهم از لشکری یا کشوری داده نخواهد شد

سر کشیک زاده

سر کشیکزاده - مقصود بنده از تقدیم این پیشنهاد ...

رئیس - آقا تأمل فرمائید و پیشنهاد دیگر در این زمینه هست قرائت شود بعد فرمائید

(دو فقره پیشنهاد دیگر از طرف آقایان دامغانی و مدیر الملک بشرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه - کلیه اشخاص غیر نظامی از هر طبقه که باشند القاب آنها ملغی است

رضادامغانی

بنده پیشنهاد میکنم که کلیه القاب کشوری انوشود

مدیر الملک

رئیس - آقای سر کشیکزاده (اجازه)

سر کشیکزاده - پیشنهاد بنده دو جهت دارد

اولاً تکمیل قانونی است که از طرف دولت پیشنهاد شده زیرا در آن ماده که از طرف دولت پیشنهاد شده اشاره شده است که القاب ملغی است

دیگر اینکه مقصود بنده این بود که از مجلس شورای ملی تقاضا کنیم که از این موقع استفاده بشود و این القابیکه متصل مثل اینکه از ماشین بیرون میآید بعد از این بکسی ندهند و این پیشنهاد مربوط باشعاصی که فعلاً لقب دارند نیست بنده پیشنهاد کردم از این بعد بکسی لقب داده نشود که شاید تا پنجاه سال دیگر ما از این بلا خلاص شویم

رئیس - آقای عباد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه - بنده اولاً این پیشنهاد را مخالف قانون اساسی میدانم بندهم به اینطور که آقای سر کشیکزاده معتقدند که کلیه القاب افتخاری که هست بکلی از بین برود مخالفم برای اینکه شاید در آتی لازم بشود و شاید در وقتی برای مملکت لازم باشد که یک القابی بیک اشخاصی داده شود

بعلاوه این یک چیزی است مخالف بآدوسه ماده از قانون اساسی نکته دیگر را که باید عرض کنم این است که اگر این قسمت را هم دولت لازم می دانست پیشنهاد میکرد پس بهتر این است که ما بهمانکه دولت پیشنهاد کرد قناعت کنیم

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را بعنوان ماده الحاقیه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - اساساً فرق بین اسم و لقب این است که اسم چندان مناسبت و اختصاص و تخصص لازم ندارد ولی لقب و کنیه از روز اول که وضع شده است یک جنبه اختصاص و تخصص باید داشته باشد یعنی یک معنایی علاوه بر صورت شخص باید داشته باشد و الا لقب و کنیه وضع نمیشود مثلاً وقتی به سابقه نگاه میکنیم می بینیم که اگر حضرت موسی کلیم الله می گویند از نقطه نظر و کلمه الله موسی تکلیما است و با اگر حضرت عیسی را روح الله می گویند از نقطه نظر و تفخفاً فيها من روضا است و بدون مناسبت هیچوقت وضع نمیشود همیشه لقب یک جنبه اختصاص دارد و باید یک معنایی در نظر باشد تا اینکه لقب وضع شود مگر این که کلیتاً لقب در هر مملکت و ملتی که رو بانحفاظ وضع گذاشته اند بتدریج چون از معنی خالصی می شود جزء الفاظ رایج می شود در اواخر دوره خلافت بنی عباس بود که ایران تقریباً صورت ملوک الطوائقی و هرج و مرج پیدا کرد

القاب بین مردم رایج شد که تا کنون بیادگار مانده اخیراً هم از دربار قدیم برای حفظ اصول استبداد یک لقبهای زیادی می دادند برای این که دورنمایی داشته باشد و بعقیده بنده این القاب که کلیتاً یکی از شؤون دوره استبداد است باید ملغی شود که مردم دنیا با مسخره نکنند و الفاظ بی معنای ما

اینقدر متوجه نباشند

بعلاوه حالاً مردم القاب را خودشان بخودشان می دهند و می روند یک مهری را می کنند و یک لقبی را درست می کنند و هويت اشخاص محترم هم تقریباً یادگار ننگین می شود

بعقیده بنده بایستی همه القاب ملغی شود و بعلاوه لقب هیچ مقامی را هم نمی فهماند بجهت این که اشخاص هر مقامی را که دارا هستند آثار علمی و عملیشان باید معرف آنها باشد

الفاظ یعنی هر کسی دارای یک مقام و هويت علمی و اخلاقی هست بایستی خودش را با آثار آنها معرفی کند نه این که لقبی برای خود وضع کند

بعلاوه افتادن کلیه القاب کمکی است باجاری سجل احوال زیرا مردم مجبور می شوند بروند و سجل احوال بگیرند و گذشته از این وقتی که القاب متناسب بنظام القاب شد دیگر باید همه مومی باشد و تبعیض جایز نیست البته از جهت طبابت

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - بعد از یک مخالفت عرض می کنم

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - در نظام یک ملاحظاتی کرده است و وزارت جنگ برای اینکه القاب نظامی را که بدون درجه و رتبه باشعاص داده شده ملغی شود و اگر برای شئون دولت این مسئله هم لازم بود و الا خود دولت در ضمن آن پیشنهاد پیشنهاد القاب را هم می کرد

پس معلوم می شود این را لازم ندانسته است که درجه شئون دولتی این کار را القاب کند

در نظام لازم ناسته همه آقایان هم تصدیق کردند برای خاطر اینکه سرتیب خارج از فوج پیدا نشود و این بسیار خوبست ولی دولت لازم ندانسته مسئله القاب در شئون دولتی مدخلیت داشته باشد یک جهت دیگر این است که اساساً برای هر دولتی یک القابی است و یک اختیاراتی دارد که بتواند نسبت بشعاصی که خدمت کرده اند لقبی بدهد و دولتی که نماینده ملت است این اختیار را دارد

آقای شریعت مدار فرمودند اینها از شؤون دوره استبداد است دوره استبداد معلوم است بد بود

ولی در همین حال نمی شود منکر شد که در همان دوره اشخاصی بوده اند که بمملکت خدمت کرده اند مطابق رسم زمان استبداد نهایت دماغها باندازه امروز بازنشده بود که بگویند اصل استبداد قلط است دماغها که بازشد خدمت هم فرق کرده

اولاً در اساسی استقرار مملکت در

زمان استبداد هم یک عده بودند که برای استقرار مملکت خدمت می کردند و این الامانی هم که داده می شود درست است که عده لایلی هستند از روی بی لیاقتی لقب گرفته اند و البته یک عده هم از راه خدمت لقب گرفته اند گانه وقتی شما بخواهید القاب تمام القاب را بکنید نمی کشید

اشخاص بزرگ خودتان را حالا آقایان می فرمایند در آن وقت اشخاص خدمت نکرده اند بسیار خوب نکرده اند ایران خدمت کنند و ما منحصراً بجای است

هم السلطان - آقا ماده ۶۳ نظامنامه را در نظر داشته باشید

دستغیب - آقای سهام السلطان می فرمایند ماده ۶۳ اما اینجا چه مربوط است ماده ۶۱ نظامنامه است

رئیس - بفرمائید

دستغیب - بنده عرض میکنم در مجلس شورای ملی ایران نباید گفته شود که در زمان استبداد خادم نداشته ایم

سید یعقوب - نداشته ایم

دستغیب - این را در مجلس شورای ملی نباید گفت آنوقت یک عده بودند بطور دیگر امروز یک عده هستند بطور دیگر در مجلس نمی شود از یک ملت ایران چندین هزار ساله خادم رانفی کرد

بنده عقیده با استبداد ندارم بنده خوب علمدار مشروطه بوده ام و زحمتهای کشیده ام خودم دمکرات بوده ام خدمات و زحماتی که در فارس با اساس مشروطیت کرده ام اگر از خدمات سایرین بیشتر نباشد کمتر نیست

آقایان همه مطلعند

بنده طالب استبداد نیست ولی عرض می کنم در زمان استبداد هم البته یک ملتی مثل ایران خادم داشته حالاً هم دارد و این القابی که داده می شده از روی این بوده که خدمت کرده اند

بنده نمی خواهم داخل اشخاص بشوم و از این جهت اسم اشخاص را نمی برم ولی بودند اشخاصی که از نقطه نظر خدمت کردن بایران و استقلال ایران لقب گرفته اند و بقول آقای کلزرونی تمام حیات ایران بسته بآن نیست که القاب ملغی شود

آقای شریعت مدار این کلمه را که فرمودند لقب یک تخصصی می خواهد جوابشان را بنده بادم آمده در بیشتر هادریان از ده بیست سال قبل که سیوطی می خواندم؟

وقدی بکون علما بالقبه یعنی بالاخره لقب این اندازه که آقا فرمودید تخصص لازم ندارد علی حال تقدیر بنده عقیده ام این است برای خاطر اینکه آقا سید یعقوب خیلی جوش نزنند و حرص نزنند و مذاکرات را کافی نمانند بنده مختصر عرض می کنم چون اکثر اشخاصی که لقب دار اند از نقطه نظر لیاقت لقب آنها داده شده و این یک شایسته است نسبت بخادمین دولت این است که عرض می کنم القاب القاب اهدیتی ندارد و همینطور باشد بهتر است

آقا سید یعقوب - آقا علما بالقبه لقب نبود

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای دامغانی را بعنوان ماده سوم تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای یاسائی

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد می کنم کسانی که خود را بالقب ملغی شده می نامند یا امضاء کنند از آن ماده تخلف کرد مجازات شود تا آن ماده مجری شود و برای این که شاید این قانون باین زودی ببعضی اشخاص ابلاغ نشود پیشنهاد می کنم که بآن پیشنهاد اضافه شود که از تاریخ تصویب این قانون تا سه ماه جرمه خواهند شد

جمعی از نمایندگان - تنفس داده شود

رئیس - تنفس داده شود

عده از نمایندگان - بلی

رئیس - (خطاب به یاسائی) آقا توضیح - تان را بعد از تنفس بفرمائید (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای یاسائی پیشنهاد اولشان را پس گرفته و پیشنهاد دیگری کرده اند قرائت میشوند

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد می کنم :

ماده الحاقیه - کسانی که خود را به القاب ملغی شده بنامند یا امضاء کنند از یک تومان الی ده تومان جرمه خواهند شد

یاسائی - قوانینی که در مجلس شورای ملی وضع می شود باید در آن قانون پیش بینی مجازات متخلفش را کرد یا در قانون مجازات عمومی و چون ما اطمینان نداریم که قانون مجازات عمومی باین زودی از مجلس بگذرد

لذا نمی شود تأمل کرد که یک مجازاتی برای متخلف از این قانون در قانون جزای عمومی پیش بینی شود

در قانون جزای عمومی سابق هم اگر آقایان ملاحظه فرموده بودند یک چنین مجازاتی برای کسانی که القاب جعلی برای خودشان انتخب می کنند پیش بینی شده بود

حالا ای دادیم که القاب سرداری سالاری - سه سالاری و سپه داری ملغی است

الآن کسیکه معروفیت بیکی از این القاب دارد اگر امضاء کرد چه چیز مجازاتش می کنند؟

شما می گوئید ملغی است او می گوید

من که ملغی نمی دانم چه کارش میکنند ؟ بموجب این ماده واحده که حق تعرض باوندان در مجازاتی هم برای اوقائل نشده است

بعضی از آقایان در خارج این طور اظهار کردند که پیشنهاد اولی بنده زیاد است این بود که بنده اصلاح کردم و جرمه را از یک الی ده تومان باختلاف دارائی اشخاص قرار دادم بهر جهت اگر یک همچو ماده نگذرد

کمان نمی کنم آن ماده واحده عملی شود و عملی شدنش این است که متخلفش آن مجازاتی داشته باشد که اگر از آن ماده تخلف کرد مجازات شود تا آن ماده مجری شود و برای این که شاید این قانون باین زودی ببعضی اشخاص ابلاغ نشود پیشنهاد می کنم که بآن پیشنهاد اضافه شود که از تاریخ تصویب این قانون تا سه ماه جرمه خواهند شد

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - عرضی ندارم

رئیس - آقای تدین

تدین - موافقم

رئیس - آقای نظام التولیه

نظام التولیه - موافقم

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را بعنوان ماده الحاقیه تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده برخاستند)

رئیس - تصویب نشد

دو فقره پیشنهاد دیگر رسیده است که تماماً قرائت می شود

بشرح آتی خوانده شد

پیشنهاد رهنما و جمعی از نمایندگان - برای تنظیم نام قلمبلی اشخاصی که دارای لقب میباشد و لقب کلیه القاب این جانب پیش نهاد ذیل را تقدیم می نمایم

ماده واحده - کلیه القاب کشوری پس از سه ماه از تاریخ تصویب این ماده انقاع خواهد بود

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - راجع باین مسئله در موقع تنفس وقتی که با آقایان نمایندگان مذاکره می شد غالب آقایان با این فکر موافق بودند که لقب در این مملکت یک چیز مبتذل و اسباب زحمت شده است

حقیقت هم همینطور است ما که نباید خودمان را گول بزنیم

در این مملکت لقب دادن تشخیص خدمت نیست و اگر مشخص خدمت بود اینهمه القاب که شاید عددش از هزار تا متجاوز است نبود و مطبوعات و جراید و کتب اروپا هم این مسئله را بطور مسخره دارند تلقی می کنند و اخیراً یک کتابی با اسم شاه مغولستان انتشار پیدا کرده و تازه از یاریس فرستاده اند اینجا آن را ملاحظه کنید و ببینید که

راجع بالقاب ایران چه نوشته است ؟ می نویسد که مسئله لقب در ایران اساساً نه تنها دلیل خدمت نیست بلکه کم کم الفاظی دارد معمول میشود که ما این الفاظ را ترجمه می کنیم

مثلاً می نویسد ضمیمه الملک - ضمیمه را او بزبان خودش ترجمه کرده است حالا ما هم بزبان خودمان ترجمه می کنیم یعنی شیرملک

شیرملک که دلیل خدمت نیست !! و همچنین شهاب الملک یا شهاب الدوله یعنی تیر دولت آبا این تیر دولت دلیل خدمت است؟! وزارت جنگ در این مسئله یک قدمی برداشته است و آمده است در محوطه خودش این مسئله را بکلی انقاع کرده است بعضی از معترضین می فرمایند چرا در همه جا اقدام کرده است

امادولت یک قدم پیش رفته است و این مسئله خوب یا بد ما باید آن را تشخیص بدهیم

دوله و سلطه و ملک دلبلیش چیست که اینهمه زیاد شده ؟ و هر ده یا نوزده روز این جراثیم بدبخت دچار ده بیست تقاضا میشوند که آقا فلان لقب بنده را بنویسید؟ پس در اینجا ملاحظه کنید اگر ما بخواهیم حقیقتاً از این مسئله جلوگیری کنیم و بخواهیم که مطبوعات اروپا ما را مسخره نکنند لازم است که برای این ترتیب یک فکری نکنیم ما چشمهای خودمان را بسته ایم و در یک محوطه که اسمش ایران است بسته ایم و اظهار می کنیم که خیر لقب دلیل خدمت است

ولی تمام جزئیات این قضیه را که لقب چه شکل می آید و چه شکل می رود و چه سیرمونی دارد و بالاخره چه شکل گرفته شده است ملاحظه نمیکنیم و اگر در پانزده تا صد تا صد تا اینصورت تالقاب معین می شد و دایره اش محدود می شد در مقابل خدمت باشعاص می دادند عیبی نداشت بعضی از رقفا می گفتند اگر القاب از بین برود ما مجبور خواهیم شده پس هیس کنیم برای جلوگیری کردن از این هیس هیس و برای اینکه اشخاص بتوانند یک نام قلمبلی برای خود معین کنند یک مدتی هم قید شده و حالا هم موقع بدست مجلس رسیده که آنرا مرتب کنند

مثلاً آقای مشیر الدوله را باید تصدیق کرد وقتی ما بایشان احترام می کنیم از نقطه نظر لقب نیست و ممکن است این لقب را به کس دیگر بدهیم و این احترام را از او نکند پس برای جبران این قضیه برای اینکه یک خط وصلی بین این افکار مختلف بشود که همه آقایان هم معتقدند خوب است این مسئله را خانم بدهیم

رئیس - آقای محمدولی میرزا

(اجازه)

محمدولی میرزا - بنده خیلی متعجب و متأسفم که امروز یک پیشنهاد خیلی صحیح و بقاعده از طرف دولت شده بوده است و تمام مجلس باتفاق به آن رأی دادند و هیچکس هم بآن ایرادی نداشت و مخالفی هم پیدا نکرد

ولی بنده مسئله یک شکلی توسعه پیدا کرد که تقریباً سه ساعت وقت مجلس را صرف کرده است

بعضی از آقایان حالاً نمی خواهم عرض کنم که نظرشان خودمانی بوده است لیکن اینرا هم نمی توانم تصدیق کنم که از نقطه نظر سیاستی که امروز در مملکت هست یا شکالاتی که متوجه اقتصادیات هست یا حوائجی که مملکت دارد و باید رفع کرد و یک قدمی در این جاده گذاشت هیچ این قضایا ایجاب نکرده است که در اطراف القاب اینهمه صحبت شود

شما حکم دارید بگذارید هر کس هر لقب داشته است داشته باشد و بگذارید این لشرا با خودشان بگویند

امروز این اظهاراتی که می شود مبتنی بر چیست آبا برای اینست که بگویند فلان آقا از تیب متجدد است و آن کسی که مثل بنده هیچ معتقد بلقب نیست و برمی خیزم مخالفت می کنم بگویند از تیب مندرس است بسیار خوب باین موضوع هم کسی وقتی نمیگذارد

چه اهمیت دارد ایشان هم بگویند بنده هم می گویم دیگر اینکه میگویند بیچاره روزنامه نویس ها

آقا از این حیث که بروزنامه نویسها ضرری وارد نمیآید

برای اینکه اگر یک کسی يك اعلامی بنویسد و زبیرش امضاء کند ضرام السلطنه آنوقت دوسه قران که شش قران باشد با آقا منفعت میرساند و بخر و آقا ضرری نمی رساند

پس دیگر چرا اظهار می کنید بدبخت روزنامه نویس

رهنما - شما حق ندارید توهین کنید سر کشیک زاده محمدولی میرزا پس فرمائید

محمدولی میرزا - حالا خوب باید القاب یک چیزی است که از قدیم مرسوم بوده است

اینجا یکی از آقایان اظهار کردند که از زمان خلفا بوده است و از هزار و صد سال قبل يك لقب هائی در مملکت مادامه شده است

و این ترتیب در جاهای دیگر هم معمول است

فقط چیزی که در واقع اسباب اختلال و بی نظمی بود راجع بمشله القاب نظامی بود که دولت آن را پیشنهاد کرد در مجلس هم باتفاق رأی داد و از بین رفت و این يك

فوائد عامه قبول شد بعد در کمیسیون بودجه رد کردند بعنوان این لفظ (آبیسیون) که نمی دانم چه چیز است که نمی تواند کمیسیون بودجه بدون تعیین اسم رای بدهد

بنده عرض می کنم مطابق این سابقه ممکن است رئیس کل مالیه اسم اینها را بنویسد و مطابق همان ترتیبی که در کمیسیون بودجه عمل گردید اسم او معین باشد چنانچه لایحه کمیسیون فواید عامه آمد و قبول نشد.

بنده عرض می کنم با این لایحه دولت موافق اما این لایحه باید برود بکمیسیون خارجه در آنجا هیئت رئیسه معین شود اسامی را هم رئیس کل مالیه معین کند و فردا هم جلسه فوق العاده تشکیل شود و خانه پیدا کند این دعوانه دارد.

رئیس - آقای عباد السلطنه (اجازه)

عباد السلطنه - اولاً بنده همیشه بر- عکس آقای آقا سید یعقوب هم خودم را صرف می کنم که احترام اشخاص را نگاه دارم و بهیچکس هم اجازه نمی دهم که بی احترامی بمن بکند برای اینکه من احترام هر کس را بقدر مقدور خود حفظ می کنم

ولی آقای آقا سید یعقوب بکندری از حدود خودشان تجاوز می کنند گاهی با اسم کمیسیون دوازده نفری حمله می کنند گاهی با اسم کمیسیون بودجه اگر نظامنامه داخلی اجازه داده است مطالبی که مربوط بسال آتیه است این کمیسیون بودجه رسیده گی کنند این گاهی است برای کمیسیون بودجه ؟

یا کمان می کشید اعضاء سابق خیلی شایق و مایل بوده اند که باین خدمت خود ادامه دهند خیر از حمت و صدمه و مورد حمله مثل شما واقع شدن چیز دیگری دارد ؟

آقا سید یعقوب - مثل شما عباد السلطنه و اما اینکه گفتیم اظهارات شما قانونی نیست باز هم می گویم و تکرار می کنم توهین هم نیست اما راجع بسایر مسائل قسمت های دیگر نظامنامه جواب شما را می دهد و چون استخدام مستشاران امریکائی در جمع و خرج سال جاری تفاوت می کند از وظیفه کمیسیون سابق است. این اعتراض آخری هم که کردید اگر ماده دوازده نظامنامه را خوانده بودید این اعتراض را نمی کردید ماده دوازده را بخوانید تا بعد آنقدر این حرفهای بی فزونی مایه ران فرمائید

آقا سید یعقوب - فرمایشات شما بی مزاحست

رئیس - آقای دامقانی (اجازه)

شریعتمدار دامقانی - اعتراضات آقای آقا سید یعقوب يك قسمت راجع به نظامنامه بود که البته بعد از اینکه خوانده

شده قانع شدند ولی اساساً بنده در اصل قضیه معتمد که وجود این آقایان امریکائی در این مملکت باعث يك اصلاحاتی است برای مالیه ایران چنانچه از مقایسه حالای پنج شش سال قبل می شود که چه فوایدی وجود اینها برای مملکت داشته است وجه اصلاحاتی شده و اگر درست بسابق مطالعه کنیم می بینیم که چقدر حیف و میل هائی که سابقاً در مالیه ایران می شده است پس از اینکه این آقایان آمده اند و زمام امور مالیه را در دست گرفته اند از آن حیف و میل ها جلوگیری شده همچون اصلاحاتی که در تشکیلات مالیه کرده اند.

بالاخره می شود گفت که قوه مجریه قانون استخدام معین آقایان امریکائی هستند و اگر اینها نبودند شاید قانون استخدام بموقع اجراء گذاشته نمی شد. در این قسمت تصور می کنم مسلم باشد که این آقایان امریکائی تا یک مدتی باید بر رأس مالیه ایران باشند برای اینکه مالیه ایران کاملاً اصلاح شود و چرخ هایش راه بیفتد و بعد از آن خود ایرانی ها بتوانند اداره کنند و باین مسئله مسلم است که پس از آنکه اینها کمتر نشان تمام شد و رفتند عده که باقی خواهند بود کافی نیست.

برای اداره کردن مالیه کل مملکت برای اینکه رئیس کل مالیه و دو سه نفر دیگر که در مرکز هستند نمی توانند کاملاً از عهده انجام امورات مالیه ولایات و ایالات بر آید البته یک عده دیگری هم لازم هستند که با این آقایان معاونت کنند.

برای اینکه مالیه سایر ولایات را هم مثل مرکز اداره کنند و بنده تصور می کنم که اگر آقایان دقت کنند و ببینند که وضعیت مالیه این مملکت نسبت به پنج سال قبل چه اندازه اصلاحات شده تصدیق خواهند کرد که اینها با عده سه چهار نفر نمی توانند اداره کنند و محتاج با استخدام يك اشخاص دیگری هم جمع می از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

(بعضی گفتند - کافی نیست) رئیس - رأی می گیریم برای دخول در شور مواد - آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - ماده اول، (شرح ذیل خوانده شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه می دهد که بر طبق پیشنهاد رئیس کل مالیه ایران از اتباع ممالک متحده امریکا اشخاصی که دارای معلومات مقتضی باشند برای مدت هائی که از سه الی پنج سال

امتداد داشته باشد بجهت خدمت در ادارات مالیه بسمت معاونت رئیس کل مالیه بموجب کتبرات شرح ذیل استخدام نمایند و ابتدای آن سه هفته قبل از ورود بایران باشد. ۱- برای ریاست اداره کل محاسبات بجای مستر گور یک نفر با حقوق ده هزار دلار. ۲- برای معاونت مخصوص رئیس کل مالیه يك نفر با حقوق هشت هزار دلار. ۳- برای خدمات دیگر هشت نفر هر يك حقوق هفت هزار و پانصد دلار. ۴- برای خدمت تندنویسی (ماشینتای) بجای فلان کن یک نفر با حقوق سه هزار دلار.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در این جا نوشته شده است بسمت معاونت رئیس کل مالیه و سمت معاونت رئیس کل مالیه را در ماده دیگر هم عرض خواهم کرد.

نظر بنده این است که تمام اینها لااقل در آن قانونی که از مجلس گذشت نسبت باختیارات عرض می کنم که یک تجدید نظری بشود و حالا این جا تجدید نظر را هم عرض خواهم کرد که اینها مسئول خود وزارت مالیه باشند نه اینکه بهمان عبارت (در هدایت قانونی وزارت مالیه) قناعت شود و این کلمه بآن معنی طویل و دور و دراز تعبیر شود که بالاخره استقلال از برای وزیر در امورات نداشته باشد و تا آنجا که میگوید:

برای خدمات دیگر هشت نفر با حقوق هفت هزار و پانصد دلار.

بنده می خواهم عرض کنم در ماده چهارم معین کرده است خدمت تندنویسی و در این جا بنده تحقیق کردم که در مالیه کسانی که با ماشین می نویسند خیلی هم دارند.

حالا این باید يك تحقیق دیگری داشته باشد نمی دانم اما این خدماتی که معین نیست بنده می خواهم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم که برای این خدمات دیگر ممکن هست در این جا اگر چه بعد می نویسد برای روانه کردن در ایالات و ولایات بنده عرض می کنم باماموریتی که در ایالات و ولایات داریم محل اطمینان ما هستند و خیلی هم بآنها توجه داریم و کسانی نیستند که در واقع بخواهیم برای آنها رئیس قرار بدهیم.

این هیئت محترم امریکائی ها برای اداره کردن مرکز و داخل و خرج مرکز است و در ولایات فایده ندارد اگر ممکن است آقای وزیر مالیه فرمایند که خدمات دیگر چه چیز است.

اگر برای ولایات است که بنده مخالف هستم بعلت اینکه ما در وزارت

مالیه اشخاص لایق برای ریاست مالیه ایالات و ولایات داریم و اگر هم برای کار های دیگر است که توضیح بدهند بدانیم برای چیست؟ وزیر مالیه - نسبت بفرمایش اولتان که فرمودید این اشخاص باید مستقیماً مسئول وزیر مالیه باشند نه مسئول رئیس کل مالیه.

اولاً خاطر نشان را متذکر می کنم که این حق بموجب کتتراتی که در مجلس تصویب شده است بدکتر میلسیو داده شده است.

بعضی از نمایندگان - ما نمی شنویم. وزیر مالیه - عرض می کنم این حق مسئولیتی که اعضاء مالیه نسبت بمافوق خود دارند در کتترات دکتر میلسیو باو داده شده است.

بموجب قانون مصوبه مجلس شورای ملی و بعلاوه اصولاً هم این مطلب صحیح است زیرا اگر رؤسای سایر ادارات مسئولیت نسبت بر رئیس کل مالیه نداشته باشند رئیس مالیه چه میتواند بکند؟

و با چه اختیاری می تواند امر ونهی کند؟ و اما این که میفرمایند این اشخاص را برای چه استخدام می کنیم همانطور که خودشان فرمودند در اینجا اجرا کرده است.

راست است که ما اشخاصی در ایالات داریم که محل اطمینان هستند ولی این دلیل نمی شود

بر این که دولت و وزارت مالیه احساس حاجت نکند که يك مستخدمین امریکائی داشته باشیم که در صورت لزوم بتوانیم آنها را برای ریاست مالیه ایالات و ولایات مأمور کنیم این احساس را کرده ایم و باین جهت است که پیش نهاد می کنیم و این عده را که ملاحظه می فرمائید هم اینها تازه نیستند حالا در ایالات و ولایات مأمورین امریکائی داریم و بعضی از اینها هم وقتی که کتترات نشان منقضی شد میروند البته باید بجای آنها يك اشخاصی را معین کنیم و فقط سه نفر هستند که بر این عده موجوده

امروز اضافه می کنیم. رئیس - آقای تدین - (اجازه)

تدین موافقم - رئیس - آقای سهام السلطان - سهام السلطان - موافقم. رئیس - آقای دست غیب - دست غیب - موافقم. رئیس - آقای شریعت زاده - (اجازه)

شریعت زاده - بنده نسبت بقسمت چهارم ماده مخالفم برای این که در این جا می نویسد:

برای ماشین يك نفر با سه هزار دلار در صورتی که بنده معتمد که برای تحریر

مراسلات با ماشین عده زیادی که کفایت می کند برای انجام این کار و بالاخره باین حقوق ممکن است ده نفر را معین کرد.

بنده می شنوم که گفته می شود برای نوشتن باهلائم رمز است. این مسئله اولاً در این قانون نیست و چندان ضرورتی هم ندارد که يك نفر را بیاوریم برای این کار مگر اینکه بخواهیم يك کلاس درین باب ترتیب بدهیم.

وزیر مالیه - همانطور که خود آقای شریعت زاده فرمودند این ماشین است در این جا آن ماشینت هائی که ما در اینجا داریم مقصود استنکراف است یعنی اشخاصی که می توانند تندنویسی کنند بزبان انگلیسی و فرانسه و اشخاصی هستند که همانطور که گویند می نویسند بدون معطلی و این نوع ماشینت در میان ایرانی ها نیست.

وقتی که این لایحه پیش نهاد می شد خودمان در نظر داشتیم که اگر بتوانیم از این شخص صرف نظر کنیم و خود رئیس کل مالیه هم تصور می کرد که اگر عده اینها بیشتر باشد بهتر است و وقتی که يك نفر باشد فقط تنها خود رئیس کل مالیه می تواند از او استفاده کند

در صورتی که رؤسای مهم وزارت مالیه همه محتاج هستند و این طور که مذاکره شد و رئیس کل مالیه توضیح دادند حقیقتاً وجود يك نفر تندنویس نصف کار را از او کم می کند و خیلی اسباب سرعت جریان کار است

ولی معذک با امید این که این شخص بیاید این جا و در ظرف چند ماه شاید بتوانیم اشخاصی از ایرانی ها را زیر دست او تربیت کنیم و با حقوق کمتر از آنها استفاده بکنیم به همین يك فریاد است که بگویند ما می توانیم زبردست او اشخاص دیگری هم تربیت بکنیم و اساساً این مسئله تندنویسی يك فنی است که خیلی مفید است و بکار می خورد و از وجود ایرانی هائی هم که بعد تربیت می شوند شاید بتوانیم يك تغییری هم در وضع تندنویسی خط ایرانی بدهیم و دولت هم بعد از این که ضرورت این مسئله را احساس کرد این پیشنهاد را کرده

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. رئیس - آقای شریعت زاده - (اجازه)

شریعت زاده - بنده نسبت بقسمت چهارم ماده مخالفم برای این که در این جا می نویسد:

برای ماشین يك نفر با سه هزار دلار در صورتی که بنده معتمد که برای تحریر

ماشین نویسی (استینو کرافت) رئیس - پیش نهاد آقای شیروانی هم همین بود (خطاب به آقای قائم مقام)

پیشنهاد می کنم بجای استینو کرافت

پیشنهاد می کنم بجای استینو کرافت

قائم مقام - در این جا دو لفظ نوشته شده است که با همدیگر قدری متناقض است اگر مقصود از این مستخدم کسی است که با ماشین می نوسد باید نوشت و اکتیلو کراف.

اگر مقصود کسی است که تندنویسی می کند او را باید نوشت استنکراف و ماشینت کسی را می گویند که ماشین را اداره می کنند و این جا مناسب است ندارد.

وزیر مالیه - بنده اشکالی نمی بینم که اگر آقایان اشکالی دارند رفع شود زیرا مقصود استینو کراف است. رئیس - آقای تدین - (اجازه)

تدین - بنده حالا قطع نظر از این که کلمه ماشینت مقصود را می فرماید

ولی برای این که فارسی بشود خوب است این طور نوشته شود (تند نویسی بوسیله ماشین) و آن مقصود را هم تأمین می کند ولی اگر مقصود این است که با دست نوشته بشود آن چیز دیگری است.

وزیر مالیه - مقصود استینو کراف است یعنی کسی که با دست تندنویسی می کند با ماشین تندنویسی نمی کند ولی هر تندنویسی با ماشین هم چیز می نویسند.

این جا البته در لفظ مسامحه شده بواسطه این که اصطلاحات خاصی نداشتیم مقصود استینو کراف است یعنی همان کسی که تند می نویسد با آن طرزى که در فرق معمول است.

حالا اگر آقایان می خواهند تندنویس بنویسند ما هم موافقم. رئیس - رأی می گیریم پیش نهاد آقای قائم مقام کسانی که موافقت قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند) رئیس تصویب شد. آقای شیروانی - (اجازه)

شیروانی - ماشینت تصور می کنم آن مقصود را رساندند تندنویس هم چون در زبان ما مقصود را می رساند

لهذا بنده پیش نهاد کردم که تندنویس نوشته شود و در پرتانتر هم لفظ استینو کراف اضافه شود اگر دولت قبول کند. وزیر مالیه - عرض کردم ما قبول می کنیم در شور دوم اصلاح می شود.

بعضی از نمایندگان - يك شور بیشتر ندارد. رئیس پیشنهاد دیگر (پیش نهاد آقای میرزا آقاخان عصر انقلاب

بشرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد می کنم بجای استینو کراف

تند نویس نوشته شود. پیش نهاد آقای ارباب کیخسرو بنده پیش نهاد می کنم کلمه ماشینت حذف شود و حفظ همان عبارت تندنویس کفایت است. رئیس - پیشنهاد زیادی رسیده است باید از هم تفکیک شوند. اگر تصویب می فرمائید بماند برای جلسه آتیه.

جمعی از نمایندگان - صحیح است. رئیس - آقای نظام التولیه (اجازه)

نظام التولیه - نظر باینکه بنده يك نفر از معتدین الغاء الناب بودم برای استحضار خاطر آقایان خود را معرفی میکنم: اسم فامیلی بنده میرزائی واسم شخص بنده هم عبدالعلی است.

رئیس - آقای روحی - (اجازه) روحی - بنده نسبت بکمیسیون بودجه خواستم عرض کنم:

در جلسه آتیه تکلیفش معلوم شود و این يك کار کوچکی نیست و شاید بعضی از این پیشنهاد ها هم بآن کمیسیون برود تکلیف آن کمیسیون چه می شود؟ آیا اختیار خواهد داشت رسیدگی کند یا خیر؟ لهذا بنده پیشنهاد کردم که برای جلسه آتیه تکلیفش معلوم شود.

رئیس - این يك چیزی است که مطابق نظامنامه است اگر می خواهید تغییر بدهید پیش نهاد کنید

میرود بکمیسیون مبتکرات هر روز نمی شود هر چیزی را تردید کرد و جزو دستور قرارداد آقای افشار.

آقا میرزا رضا خان افشار - بنده می خواستم پیشنهاد کنم لایحه خرید دو دستگاه لکوتیور برای خط آهن آذربایجان در درجه دوم جزو دستور شود.

رئیس - جلسه آتیه روز پنجشنبه چهار قبل از ظهر دستور هم خبر کمیسیون راجع بامریکائی ها (خطاب به آقای افشار) نسبت بآن مطلبی که فرمودید مراجعه شده است بکمیسیون فواید عامه باید کمیسیون جدید تشکیل شود و يك نظری در این باب بکنند و راپورت بدهد.

مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد. رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا - منشی - م شهاب - منشی - دکتر احتشام طباطبائی

جلسه صد و شصت و یکم صورت مشروح مجلس یوم پنج شنبه هفدهم اردیبهشت ۱۳۰۴ مطابق سیزدهم شوال ۱۳۴۳

مجلس سه ساعت قبل از ظهر ریاست آقای آقا میرزا حسین خان پیرنیا تشکیل